

رهیافتی بر انواع سنت فعل و نحوه تأثیر شناخت نوع سنت بر استنباط احکام حج^۱

مصطفی بیگدلی^۲

عباسعلی سلطانی^۳

حسین صابری^۴

رهیافتی بر انواع
سنت فعل و نحوه تأثیر
شناخت نوع سنت بر
استنباط احکام حج

۳۵

چکیده

سنت از مهم‌ترین منابع و ادله دانش فقه است که به لحاظ نوع عمل و عکس‌العمل معصوم علیه‌السلام به سه نوع قول، فعل و تقریر او تقسیم می‌شود. بعد از قول، سنت فعل با توجه به عصمت معصومان علیهم‌السلام جایگاه خاصی در بیان حکم دارد و امکان برداشت حکم از آن امری مسلم، ولی دارای شرایط خاص است که می‌توان کم‌توجهی بعضی از فقها به سنت فعل را مرتبط با شرایط خاص آن دانست؛ از این رو، شناخت هر چه دقیق‌تر فعل معصومان علیهم‌السلام راه‌گشای استفاده از سنت فعل است.

باب حج - که مورد تأکید این پژوهش است - دارای مزیت ویژه‌ای برای بررسی سنت

۱. دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳.

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: mostafabigdelli@gmail.com

۳. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، رایانامه: soltani@um.ac.ir

۴. استاد تمام فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: saberi@um.ac.ir

فعل است؛ زیرا در این باب فعل نقش مهمی در بیان احکام دارد و وسعت زمانی آن و تعدد افعال آن بستر مناسبی را برای بررسی سنت فعل ایجاد می‌کند.

در این تحقیق برخلاف رویه جاری که مراجعه به کتب اصول فقه است سعی شده با مراجعه به موارد و مصادیق استدلال به سنت در کتب فقهی و مباحث فقهی فقها که محل استفاده از سنت و مشخص‌کننده میزان اعتبار آن در کارزار استنباط است، به تقسیم صحیحی از سنت دست یافت.

در بررسی موارد استدلال معصومان علیهم‌السلام به سنت فعل و کیفیت و میزان استفاده فقها از آن در استنباط احکام می‌توان سنت را به اقسام اختصاصی، مبین، مسئول حج، مسئول اطرافیان و شخصی تقسیم کرد که هر یک از اقسام دارای مصادیق مختلفی در فقه است و درک صحیح هر یک از اقسام، تأثیر ویژه‌ای در برداشت حکم از سنت فعل دارد.

کلیدواژه‌ها: حکم فقهی، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مسئولیت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مصادیق سنت فعل، حجة‌الوداع.

مقدمه

انسان در زندگی خود موجودی مختار است و می‌تواند افعال و رفتارهای مختلفی را انجام دهد. اختیار از علل تنوع افعال انسان است، با وجود این اختیار تکوینی، انجام هر عملی از لحاظ شرع جایز نیست؛ لذا برخی از افعال انسان منع شرعی دارد. اهمیت فعل انسان در دین در راستای حرکت انسان به سوی هدف اصلی خلقت (تکامل)، مبرهن و ضروری است؛ به همین جهت، به آن توجه بسیار ویژه‌ای شده و علمی به نام فقه و به تبع آن اصول فقه به آن پرداخته است. علم فقه که عهده‌دار بیان احکام شرعی مربوط به فعل انسان است، بیانگر اهمیت فعل انسان و نشان‌دهنده جایگاه متمایز آن است.

فعل انسان که در علم فقه مورد بحث قرار می‌گیرد و حکم آن در این علم مشخص می‌شود، موضوع علم فقه است. فعل انسان از جهت دیگری نیز در اسلام و علم فقه مورد توجه است و آن دلیل بودن برای استنباط حکم شرعی است. فعل از طرفی موضوع علم فقه و از جهتی دلیل برای علم فقه است. دلیل بودن فعل، مشترک

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۳۶

میان همه انسان‌ها نیست، بلکه منحصر به معصومان علیهم‌السلام است. فعل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فعل ائمه علیهم‌السلام دو دلیل برای احکام شرعی هستند و فقها احکام مختلفی را که مشهورترین آن‌ها عدم وجوب و عدم حرمت است را از آن استنباط کرده‌اند (مظفر، ۱۳۷۵، ۶۳/۲). با بررسی کتاب‌های فقهی روشن می‌شود که فقها احکام مختلفی را از افعال معصومان علیهم‌السلام استنباط کرده‌اند.^۲

توجه به وظایف معصومان علیهم‌السلام راهگشای دریافت حکم از سنت

تنوع مسئولیت‌های معصومان علیهم‌السلام موجب مختلف شدن افعال ایشان می‌شود؛ به همین علت، شناخت مسئولیت‌های ایشان می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر دریافت حکم از قول و مخصوصاً فعل داشته باشد؛ زیرا با شناخت مسئولیت می‌توان فعل را در جغرافیای خود تصور کرده و حکم صحیح را از آن دریافت کرد. با توجه به کثرت موقعیت‌ها و تنوع تکالیف و تعدد وظایف متناسب با آن، لازم است تا هر یک از ابواب فقهی به صورت جداگانه بررسی شود تا بتوان وظایف مشترک و غیر مشترک بین ابواب فقهی را تشخیص داد. یکی از این ابواب فقهی، حج است که به دلیل توقیفی بودن^۳ بسیاری از احکام آن و نقش ویژه فعل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان احکام آن مورد توجه این مقاله قرار گرفته است.

پیشینه موضوع

در منابع شیعی گونه‌های متفاوتی از توجه به سنت فعل به چشم می‌خورد. برخی (شهیداول، ۱۴۰۰، ۲۱۵/۱) مطلق سنت را به عنوان تبلیغ و امامت و قضاء و برخی دیگر (شعرانی، ۱۳۷۳، ۲۴۳) آن را به مولوی و ارشادی تقسیم‌بندی کرده‌اند. ولی برای سنت فعل می‌توان تقسیمی را با این عنوان که افعال معصومان علیهم‌السلام یا منشأ و حیانی دارند یا

۱. عدم وجوب و عدم حرمت به معنای اباحه نیست؛ زیرا با استحباب و کراهت نیز قابل جمع است.

۲. لازم به ذکر است که بیان انواع احکام قابل برداشت از فعل مورد توجه اصلی این مقاله نیست ولی در ضمن مباحث، نمونه‌هایی برای هر کدام مطرح خواهد شد.

۳. احکام توقیفی که در مقابل احکام توقیفی است احکامی هستند که از جانب شارع مشخص شده و نمی‌توان در آن‌ها تغییری ایجاد کرد مانند تعداد رکعات نماز که قابل تغییر نیست (بدری، ۱۴۲۸، ۱/۱۱۹).

غیر وحیانی، را در کتب برخی فقهای شیعه یافت (شهید اول، ۱۴۰۰، ۲۱۱/۱؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸، ۴۹۰).

پیشینه این موضوع در منابع اهل سنت نیز به عنوان یک بحث مستقل، ولی بسیار محدود دیده می شود^۱ (الاشقر، ۱۴۲۴، ۹/۱). همین نقص، انگیزه اشقر برای تألیف کتابی در این باره شد. وی در کتابش، افعال را به جبلی (مطابق طبیعت اولیه انسان)، عادی (نشأت گرفته از عرف)، دنیوی (جهت نفع یا ضرر دنیوی)، اختصاصی، معجزات، بیانی (جهت رفع اجمال از حکم)، امثالی (فعل به عنوان یک مکلف)، متعدی (در مواجهه با غیر خود)، فعل انجام شده در زمان انتظار نزول وحی و فعل مجرد از قرینه تقسیم کرده است (اشقر، ۱۴۲۴، ۲۱۵/۱). به نظر می رسد که ایشان نیز با همه زحمات، به خوبی از عهده بحث برنیامده است؛ زیرا در قسمتی از کتاب اعتراف می کند که اصل افعال پیامبر ﷺ پنج قسم است (اشقر، ۱۴۲۴، ۳۱۱/۱) و برخی از اقسام را به صورت کامل به عنوان یک قسم قبول نمی کند (اشقر، ۱۴۲۴، ۳۱۱/۱) و برخی از افعال مانند مسئولیت مسلمانان را اصلاً مورد توجه قرار نداده (اشقر، ۱۴۲۴، ۲۱۷ و ۱۰/۱) و فعل مجرد از قرینه و مجمل را هم قسمی از افعال پیامبر ﷺ دانسته و آن را به دو قسم تقسیم کرده است (اشقر، ۱۴۲۴، ۳۱۷/۱) که می توان ادعا کرد هر دو قسم در مقام شک نسبت به نوع فعل برای ماست و جزء دیگری از اقسام فعل پیامبر ﷺ به حساب نمی آید.^۲

در میان مقالات نیز می توان به مقاله «درآمدی بر جایگاه روایات پزشکی» از مهدی مهریزی اشاره کرد که ایشان به وحیانی بودن یا تجربی بودن روایات پرداخته است (مهریزی، ۱۳۸۵، ۳۷) و همین مسئله را در قسمتی از مقاله «درآمدی بر قلمرو فقه» نیز مطرح می کند (مهریزی، ۱۳۷۵، ۲۱۰). در مقاله «قلمرو حجیت حدیث از نگاه عالمان شیعه» به وجود تقسیم بندی های مطرح شده در مورد حدیث در میان علمای

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۳۸

۱. محمد سلیمان الاشقر در کتاب افعال الرسول ﷺ می گوید: در میان منابع اهل سنت فقط دو رساله برای این مطلب یافته است که آن ها نیز به اندازه کافی بحث را مطرح نکرده و ضعیف هستند (الاشقر، ۱۴۲۴، ۹/۱).

۲. به نظر می رسد فعل عرفی، جزء مستقلی از افعال در کنار بیانی نباشد. افزون بر آن، اگر ایشان باب خاصی از فقه مانند حج را مورد توجه قرار می داد، بعید به نظر می رسید افعالی جبلی مانند خوابیدن را مورد توجه قرار دهد. البته ظاهراً برخی از اقسام نیز با اقسام دیگر مشترک است؛ زیرا فعل ایشان در مقام انتظار وحی (اشقر، ۱۴۲۴، ۳۱۴/۱) یا اختصاصی است یا امثالی است و قسم جداگانه ای نیست.

شیعه می‌پردازند و به دنبال این هستند که تقسیم به عادی و جبلی و حقیقیه و شخصیهِ ارتباط بیشتری با فعل دارد (مهریزی، ۱۳۸۸، ۴). در میان مقالات ایشان علاوه بر مطالب نقل شده، نمونه‌های دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد (مهریزی، ۱۳۷۹، ۳)، ولی بررسی مستقل سنت فعل و ارائه یک تقسیم جامع در میان مقالات ایشان دیده نمی‌شود و البته موضوع اصلی مقالات ایشان نیز نبوده است.

شناخت افعال و بررسی تأثیر شناخت افعال بر دریافت حکم از مباحث مهمی است که جهت برداشت حکم و جهت ردّ برداشت حکم از فعل در کتب فقهی و در میان استدلال‌های فقهی به صورت موردی محل بحث قرار گرفته است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۳۱/۱۰، ۱۳۸۷، ۲۸۶/۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۷/۷۶). ولی به صورت متمرکز و با محوریت اقسام فعل معصومان علیهم‌السلام به صورت ویژه و در یک باب فقهی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اهمیت و ضرورت این بحث در استنباط حکم شرعی نیاز به بررسی این موضوع وجود دارد و تقسیم‌بندی مطرح شده از افعال نیز بدون سابقه است و برای آن مشابه کاملی یافت نشد.

اقسام افعال معصومان علیهم‌السلام در کتاب حج

با بررسی روایات و مباحث مطرح در کتب فقهی در باب حج می‌توان وظایف معصومان علیهم‌السلام را در باب حج در پنج قسم دسته‌بندی کرد. البته امکان توجه به ابواب فقهی دیگر نیز با حج در این اقسام وجود دارد. اقسام وظایف با ذکر نمونه و بیان تأثیر شناخت وظایف بر استنباط حکم با توجه به مباحث فقهی به شرح ذیل است.

قسم اول: فعل اختصاصی

مقصود از افعال اختصاصی افعال مخصوص معصومان علیهم‌السلام است و شامل باقی افراد نمی‌شود. خود این افعال نیز می‌تواند به دو صورت مختص به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مختص به معصومان علیهم‌السلام که مشترک بین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام است، تقسیم شود. شناخت صحیح افعال اختصاصی می‌تواند راه‌حل شناخت بسیاری از افعال معصومان علیهم‌السلام و درک بسیاری از احادیث ایشان باشد؛ زیرا با شناخت صحیح این

افعال می‌توان افعال مشکلی را تحلیل و تعریف کرد.

اصل وجود افعال اختصاصی برای معصومان علیهم‌السلام مقبول مسلمانان است. از بارزترین آن‌ها می‌توان به تعدد زوجات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بیش از حد مجاز برای عموم مسلمانان است، اشاره کرد (علامه حلی، ۱۳۸۸؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ۵۸/۷-۸۷/۷). به گفته صاحب جواهر در این باره شیعه و اهل سنت اختلافی باهم ندارند و هر دو آن را قبول دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۹/۲۹).

از دیگر احکام اختصاصی و خوب نماز شب است، ولی به نظر می‌رسد این حکم مختص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست و شامل ائمه علیهم‌السلام نیز می‌شود (علامه حلی، ۱۳۸۸، ۵۶۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۲۶/۲۹).

البته در یک وظیفه عمومی مانند حج نیز ممکن است برخی افعال مختص به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام باشد و شامل باقی افراد نشود که در صورت اثبات اختصاص فعل به ایشان، حکم دریافتی از آن فعل متفاوت از باقی افعال خواهد بود.

۱. وجوب اضحیه

قربانی کردن در روز عید قربان برای غیر مَحْرَم از افعالی است که معصومان علیهم‌السلام آن را انجام داده‌اند و مورد توجه فقها نیز بوده است. اضحیه برای مردم عادی مستحب مؤکد است که در این باره می‌توان گفت بین فقها اتفاق نظر وجود دارد (سبزواری، ۱۲۴۷، ۶۷۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱۹/۱۹)، ولی حکم آن برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چگونه بوده است. شهید اول در این باره آورده است:

قربانی کردن (اضحیه) بالاصاله واجب نیست، ولی از خصائص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و در روایت آمده که ایشان یک قربانی را از جانب خودش و افرادی از خانواده‌اش که قربانی نکرده بودند و یک قربانی را از جانب خودش و کسانی از امتش که قربانی نکرده بودند، ذبح می‌کرد (شهید اول، ۱۴۱۷، ۴۴۸/۱).

علاوه بر شهید اول علمای دیگری نیز با پشتوانه روایی به اختصاصی بودن وجوب اضحیه تصریح کرده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۵۴/۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۲۶/۱۹) و برای این مسئله به روایاتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استدلال کرده‌اند؛ مانند این روایت که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۴۰

فرمودند: «نماز وتر بر من واجب شده و بر شما واجب نشده است... و اضحیه بر من واجب شده و بر شما واجب نشده است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸۲/۱۶).

۲. دخول به مکه بدون احرام برای قتال

داخل شدن به مکه باید همراه با احرام باشد. این حکم عمومیت دارد و شامل داخل شدن با هر نیتی می‌شود، ولی بعضی از فقها مواردی را استثنا کرده‌اند که یکی از آنها ورود برای قتال است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۳۶۱/۱؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۵۷۷/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۲۷/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۹۳/۱۰) و بعضی دیگر آن را جایز نمی‌دانند (علامه حلی، ۱۳۸۸، ۵۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۳۸۴/۷؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ۳۰۸/۵).

پیامبر اکرم ﷺ در فتح مکه بدون احرام وارد مکه شدند و کسی از مسلمانان محرم نشد. این روایت در کتب شیعه وارد نشده است، ولی مطابق تصریح فقهای شیعه در کتب اهل سنت وجود دارد و فقهای شیعه مانند علامه حلی آن را نقل کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۹۳/۱۰).

میان علما در این مسئله بحث هست که آیا این حکم اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ دارد یا عمومی است؟ محقق حلی و علامه حلی به عمومی بودن آن معتقد هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۲۷/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۹۳/۱۰)؛ زیرا به نظر ایشان، روایاتی که اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ را مطرح کرده‌اند به معنای جواز برای پیامبر اکرم ﷺ و مانند ایشان است که در این صورت، وضعیت و شرایط پیامبر اکرم ﷺ مجوز این حکم می‌باشد و این فعل پیامبر ﷺ از افعال اختصاصی ایشان نیست.

علامه حلی در کتاب دیگر خود و صاحب مدارک و محقق بحرانی و فاضل‌هندی (علامه حلی، ۱۳۸۸، ۵۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۳۸۴/۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۲۷/۱۵؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ۳۰۸/۵)، با توجه به روایات دیگر در این زمینه معتقدند این فعل فقط مختص به پیامبر

۱. این روایت و موارد مشابه آن مانند (سه چیز بر من واجب شده و بر شما مستحب است که عبارت‌اند از...) که در کتب فقها مانند الحدائق الناضرة (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۰۵/۲۳) از شیعه و المغنی (ابن قدامة، ۱۳۸۸، ۹۴/۱۱) از اهل تسنن به آن استدلال شده است در منابع حدیثی شیعه به غیر از بحار نیامده است، ولی در منابع اهل سنت ذکر شده است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ۸۵/۵؛ روایت ۲۹۱۷؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ۴۴۳/۹؛ روایت ۱۹۰۳۱؛ الدارالقطنی، ۱۴۲۴، ۵۰۸/۵؛ روایت ۴۷۱۵) ولی فقهای شیعه نیز از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

اکرم علیه السلام است. اینان برای اثبات ادعای خود روایتی را مطرح می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: دخول به مکه بدون احرام برای کسی حلال نیست و فقط برای من و به مدت ساعتی از روز حلال شد (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲۶/۴؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۴۰۴/۱۲). اینان با این روایت اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اثبات کرده اند.

۳. تأخیر حج از زمان وجوب آن

یکی از مواردی که احتمال اختصاص آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده، تأخیر حج از زمان وجوب آن است؛ زیرا اعتقاد بر این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زمان ابلاغ حکم حج به حج نرفتند و به مدت چند سال آن را به تأخیر انداختند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶/۱۰). سؤال این است که چرا چنین تأخیری واقع شده است؟ شافعی از علمای اهل تسنن (نوی، بی تا، ۱۰۲/۷؛ الرافعی، بی تا، ۳۱/۷) معتقد است آیه حج در سال ششم نازل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تا سال دهم به تأخیر انداخت و برای این تأخیر نیز هیچ عذری نداشت. شافعی با این استدلال به وجوب فوری نبودن حج حکم داده است، ولی علامه حلی بسان باقی علمای شیعه همچون محقق حلی^۱ به بررسی این مسئله پرداخته و برای توجیه آن مسائلی را مطرح کرده است. یک توجیه این است که احتمال دارد تأخیر حج از زمان وجوب آن به امر خداوند بوده تا حج، ایشان مصادف با حجه الوداع باشد و خداوند در آن حج دینش را با نصب حضرت علی علیه السلام به عنوان امام کامل کند؛ زیرا گفته شده که در این حج اهل همه ادیان وجود داشت و قبل و بعد از آن در هیچ حج دیگری چنین چیزی تحقق نیافت (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶/۱۰). علامه حلی با بیان این که تأخیر حج از زمان وجوبش به امر خداوند بوده و یک حکم خاص است، ادعای شافعی را رد می کند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶/۱۰). از کلام ایشان ظاهر می شود که این فعل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داشته و باقی گروه ها در آن شریک نیستند؛ پس نمی توان از تأخیر آن حکم خاصی را به دست آورد.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸
۴۲

۱. مانند محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۷۴۶/۲) و شهید اول (شهید اول، بی تا، ۲۲۴).

۴. احرام به صورت مبهم

آیا می‌توان به صورت مطلق احرام بست و نوع احرام را مشخص نکرد و در ادامه کار نوع آن را تعیین نمود؟ این سؤال مورد توجه فقها واقع شده و درباره آن بحث کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۱۹/۱۰) و در جواز (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۲۳۳/۲) یا حرمت (صیمری، ۱۴۲۰، ۴۲۲/۱، نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۵/۱۸) و احتمالات دیگر (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۱۶/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۹۰/۲) اقوالی را مطرح کرده‌اند.

دلیل این بحث روایتی است که طبق آن پیامبر اکرم ﷺ محرم شدند، ولی نوع حج را مشخص نکردند و در انتظار نزول وحی بودند. وقتی وحی نازل شد؛ نوع حج را مشخص کردند (علامه حلی، ۱۳۸۸، ۲۳۳/۷؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۲۸۶/۱).^۱ فخر المحققین فارغ از بحث‌های سندی، روایت را این گونه ارزیابی کرده است که جایز است این روایت از اختصاصات پیامبر اکرم ﷺ باشد و با این بیان، استدلال به روایت را مورد خدشه قرار داده است (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۲۸۶/۱).

قسم دوم: افعال مبین حکم شرعی

رسیدن به اهداف دین که هدایت و تکامل انسان است، بدون احکام مربوط به اعمال انسان ممکن نیست؛ به همین سبب بیان احکام افعال و اعمال انسان یکی از وظایف پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بوده است و احادیث بسیاری در زمینه احکام فقهی وارد شده است.

بیان تکالیف، شروط، مقدمات و چگونگی انجام آن‌ها همگی از مواردی هستند که حجج الهی علیهم‌السلام به بهترین شکل آن‌ها را تبیین کرده‌اند و در جوانب مختلف یک تکلیف، حالات و شرایط مختلف آن، مردم را راهنمایی و وظیفه آن‌ها را بیان کرده‌اند. حج نیز به عنوان یک تکلیف و وظیفه الهی بر مردم واجب شد، ولی شرایط و ضوابط و مخصوصاً چگونگی انجام آن با توجه به تعدد افعال و طولانی بودن زمان

۱. این روایت نیز با وجود این که در کتب فقهی شیعه تکرار شده است. (ر. ک: فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۲۵۶/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۳/۱۸؛ آملی، ۱۳۸۰، ۴۶۴/۱۲) ولی اصل آن از منابع اهل سنت است (شافعی، ۱۴۰۰، ۱۱ و ۱۹۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ۳۳۹/۴؛ ۵/۵؛ بیهقی، ۱۴۱۲، ۴۸۸/۳).

انجام آن نیاز به تبیین و توضیح داشته است که پیامبر اکرم ﷺ و بعد از ایشان ائمه ﷺ این وظیفه را عهده‌دار شده و به بهترین شکل انجام داده‌اند.

آنچه در این قسمت با عنوان بیان حکم شرعی و افعال مبین حکم مطرح شده است به این نوع از افعال پیامبر اکرم ﷺ اشاره دارد که بسیاری از افعال حجج الهی ﷺ برای انجام همین وظیفه بوده است و پیامبر اکرم ﷺ نیز با بیان جمله معروف «خذوا عَنِّي مناسککم» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۶۰۷/۱؛ علامه‌حلی، ۱۹۸۲، ۴۷۱؛ ابن‌ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵، ۲۱۵/۱) اشاره به همین وظیفه دارند.

۱. شروع طواف از حجرالاسود

شروع طواف باید از حجرالاسود باشد؛ زیرا در روایات آمده که پیامبر اکرم ﷺ این‌گونه طواف خود را انجام دادند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۳۲۶/۲). محقق اردبیلی در این‌باره آورده است که بر این مطلب روایات زیادی از علمای گذشته نقل شده که دلالت دارند بر این که پیامبر اکرم ﷺ از حجر طواف خود را شروع کردند. وقتی به این روایات، حدیث «خذوا عَنِّي مناسککم» یا ادله حجیت سیره اضافه شود، دلالت بر لزوم آن دارد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۷۵/۷). حدیث مذکور در بسیاری از کتب فقهی برای اعتبار فعل پیامبر اکرم ﷺ در مورد حج به کار رفته است و بسیاری از بزرگان بعد از بیان فعل پیامبر اکرم ﷺ برای اثبات اعتبار فعل در بیان حکم فقهی به آن استدلال کرده‌اند. می‌توان مواردی را که فقها به این روایت برای استفاده حکم شرعی از فعل پیامبر اکرم ﷺ استدلال کرده‌اند، از نوع فعل مبین به‌شمار آورد (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۱/۱۹؛ خوئی، ۱۴۱۰، ۳۰۵/۵؛ قمی، ۱۴۱۵، ۹۶/۳).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸
۴۴

۲. یسار بودن کعبه در حال طواف

طواف باید به گونه‌ای باشد که در حال طواف کعبه نسبت به حاجی در سمت

۱. این روایت بین شیعیان بسیار مشهور است و در کتبی مانند علامه حلی، ۱۹۸۲، ۴۷۱ و ۴۷۲؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ۳۴/۴، ۲۴۷ آمده و در شرح کتب حدیثی مانند علوی، ۱۳۹۹، ۳/۴۴۷ و مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴، ۲۰۵/۸ و مازندرانی، ۱۴۲۹، ۵۵۳/۴ وارد شده است؛ ولی ظاهراً اصل آن از اهل سنت است مانند احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ۲۵۰/۲۵؛ روایت ۱۵۹۱ و بیهقی، ۱۴۲۴، ۲۰۴/۵؛ روایت ۹۵۲۴ و نسائی، ۱۴۰۶، ۲۷۰/۵؛ روایت ۳۰۶۲.

چپ حاجی قرار گیرد. این مطلب به نوعی مورد اتفاق فقهاست. علامه آورده که پیامبر اکرم ﷺ در حال طواف کعبه را در جانب چپ خود قرار داده بود و در روایت نیز گفته است: «خذوا عَنِّي مناسككم». پس تبعیت کردن از ایشان واجب است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۰/۳۲۰). قاضی ابن براج نیز یمین بودن طواف را مجزی نمی داند به دلیل این که خلاف فعل پیامبر اکرم ﷺ است و ایشان فرموده که افعال حج را از من بگیرید (ابن براج، ۱۴۱۱، ۴۲). محقق اردبیلی نیز مستند این حکم را فعل پیامبر اکرم ﷺ دانسته و روایت مذکور را به عنوان مکمل آن روایت مطرح کرده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۷/۷۸). محقق سبزواری بیان می دارد که برای این مطلب به فعل پیامبر اکرم ﷺ استدلال شده است و همراه فعل پیامبر اکرم ﷺ باید روایت «خذوا عَنِّي مناسككم» را نیز اضافه کرد (محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۲/۶۲۸).

۳. وجوب نماز طواف

بعد از اتمام طواف باید نماز طواف را به جا آورد که دو رکعت است و پشت مقام ابراهیم عليه السلام خوانده می شود. یکی از ادله ای که برای وجوب اقامه شده، فعل پیامبر اکرم ﷺ است. وجوب نماز طواف و دلیل بودن فعل برای آن، مورد تأیید شیخ طوسی قرار گرفته (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۲/۳۲۷) و علامه حلی برای بیان علت وجوب آن این گونه استدلال کرده است. پیامبر اکرم ﷺ نماز را برای بیان واجب انجام داده است و با توجه به روایت «خذوا عَنِّي مناسككم» دلالت بر وجوب فعل دارد (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۰/۳۲۵).

۴. وجوب رمی

فقها اعتقاد به وجوب رمی دارند و برخی از ایشان برای وجوب رمی این گونه استدلال کرده اند که پیامبر اکرم ﷺ در حج خود رمی را انجام داد. از آنجا که فعل ایشان در مقام بیان حکم اولی بود، از آن با توجه به روایت «خذوا عَنِّي مناسككم» می توان حکم وجوب را برداشت کرد (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱/۶۰۶؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷، ۱/۳۴۵).

رهبانیت بر انواع
سنت فعل و نحوه تأثیر
شناخت نوع سنت بر
استنباط احکام حج

قسم سوم: در مقام مسئول برگزاری حج

پیامبر اکرم ﷺ به عنوان حاکم شرعی، مسئول برگزاری حج است؛ یعنی قسمتی از دستورات ایشان با توجه به وظیفه ایشان برای برگزاری بهتر مراسم حج است. مقصود از این قسم این است که اگر وظیفه پیامبر اکرم ﷺ فقط بیان احکام و توضیح وظایف مکلفان بود نیاز به صدور این دستورات نبود، ولی چون پیامبر اکرم ﷺ حاکم است و به عنوان رهبر، هدایت مراسم را به عهده دارد، با توجه به مصلحت سنجی ایشان این دستورات را صادر کرده است.

۱. تعیین امام برای حج

در صورتی که پیامبر اکرم ﷺ در مراسم حج شرکت نفرمایند، باید برای خود نائبی معرفی کنند؛ همانند کاری که پیامبر اکرم ﷺ در سال نهم انجام دادند و امام علی علیه السلام را به عنوان نائب و جانشین فرستادند و ایشان براءت از مشرکان را اعلام کردند (شهید اول، ۱۴۱۷، ۱/۴۹۵).

۲. اذن به عباس برای میبیت در مکه برای سقاییت به حجاج

در لیالی منال لازم است که حاجی در منابیتوته کند و در آنجا بماند، ولی منقول است که عباس از پیامبر اکرم ﷺ اجازه خواست تا در این ایام در مکه باشد و بتواند به امر سقاییت حجاج پردازد و پیامبر اکرم ﷺ نیز به او اجازه داد (مسلم، بی تا، ۲/۹۵۳). این اذن یک اذن خاص بوده و برای همگان نبوده است؛ زیرا در غیر این صورت نیاز به ذکر شدن نداشت و حتی در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فقط به عباس چنین اذنی را داد و برای شخص دیگری این اذن داده نشده است (ابن ماجه، بی تا، ۲/۱۰۱۹، ش ۳۰۶۶).

علامه با توضیح این مطلب که ترک بیتوته توسط عباس به دلیل عذر که همان رسیدگی به امور حاجیان و سقاییت ایشان بوده، نتیجه می گیرد که ترک بیتوته از سوی عباس، منافاتی با وجوب ندارد و عمومیتی ندارد، بلکه برای امر مهمی بوده که برای پیامبر اکرم ﷺ دارای اهمیت بوده است. پیامبر اکرم ﷺ نیز به عنوان مسئول حج

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۴۶

به عباس چنین اذنی را داده است و حکم مربوط به شرایط خاص بوده است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۳۷۲/۱۱).

۳. حرکت بعد از طلوع خورشید از مشعر

عموم مردم لازم است که بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید از مشعر به سوی منا حرکت کنند، ولی افراد ضعیف می‌توانند قبل از طلوع فجر حرکت کنند و امام و مسئول جمعیت بهتر است بعد از طلوع شمس یا نزدیک به طلوع فجر بازگردد (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹۴/۱۱).

امام و مسئول جمعیت باید وقوف به عرفه را تا بعد از طلوع فجر به تأخیر بیندازد که این کار تأسی به سنت رسول الله ﷺ است (شهیداول، ۱۴۱۷، ۴۱۷/۱). همچنین در روایت آمده که خروج بعد از طلوع شمس از سنت پیامبر اکرم ﷺ است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵۲۴/۱۳). محقق بحرانی آورده (بحرانی، ۱۴۰۵، ۴۵۸/۱۶) در روایت آمده که پیامبر اکرم ﷺ زمانی باز می‌گشت که صبح شده بود و رد پای حیوانات مشخص می‌شد (فقه الرضا، ۱۴۰۶، ۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۶۷/۹۶). این یعنی همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ خود بعد از طلوع فجر خارج می‌شدند، جانشینان ایشان نیز باید این کار را انجام دهد. این مطلب در روایات ائمه علیهم‌السلام نیز بدون ارجاع به سنت پیامبر اکرم ﷺ برای امام حاجی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛ مثلاً در روایت آمده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: بر امام حج شایسته است تا طلوع خورشید در مشعر توقف داشته باشد، ولی برای باقی مردم چنین تأکیدی وجود ندارد و می‌توانند قبل از آن برگردند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۶/۱۴). علاوه بر آن، موارد دیگری نیز وجود دارد که در باب حج با عنوان امام الحج شناخته می‌شوند و دارای احکام خاصی هستند و می‌توانند ملحق به این قسم شوند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۷/۱۱ - ۳۶-۴۱۶؛ شهیداول، ۱۴۱۷، ۴۱۷/۱؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۲۲۴/۳).

قسم چهارم: افعال پیامبر ﷺ در قبال مسئولیت بر اطرافیان

نوع دیگری از افعال پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد که برای رعایت مصالح همه مسلمانان نیست، بلکه محدود به مصالح گروه و عده خاصی بوده است؛ یعنی

رهبانیتی بر انواع
سنت فعل و نحوه تأثیر
شناخت نوع سنت بر
استنباط احکام حج

پیامبر اکرم ﷺ نسبت به گروه خاصی آنرا انجام داده است که این مسئولیت را می‌توان همانند وظیفه یک مسئول کاروان نسبت به کاروان خود دانست؛ یعنی همان‌طور که مسئول کاروان نسبت به کاروان خود مسئولیت دارد و هدایت آن‌ها و مراقبت و همراهی آن‌ها به عهده اوست، پیامبر اکرم ﷺ نیز همانند یک مسئول کاروان هدایت و همراهی اطرافیان خود را به عهده داشته است.

با توجه به این که مسئولیت همراهان و اطرافیان پیامبر اکرم ﷺ به صورت مستقیم با ایشان بوده، برای همراهان این نوع افعال را انجام داده‌اند؛ بقیه مردم نیز می‌توانند همانند آن‌ها را انجام دهند؛ یعنی انجام آن‌ها بر باقی مردم ممنوع نبوده و برای همگان قابل استفاده است.

۱. اعزام زن‌ها برای مناقب از طلوع فجر

بعد از وقوف در مشعر باید غالب حاجیان بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید حرکت کنند و از مشعر خارج شوند و به سمت منا حرکت کنند، ولی زن‌ها و افرادی مانند ایشان می‌توانند قبل از طلوع فجر از مشعر خارج شوند که این مسئله مورد قبول فقهاست (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹۲/۱۱؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۴۲۷/۷؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ۶۵۷/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۷۷/۱۹).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۴۸

منشأ این حکم اجازه پیامبر اکرم ﷺ است؛ زیرا ایشان همسران خود مانند ام سلمه و حتی ضعیفان اهل خود (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹۲/۱۱) و در نقل دیگری، ضعیفان بنی‌هاشم را در این وقت به سمت منا ارسال کردند (عاملی، ۱۴۱۱، ۴۲۷/۷). از این تعبیرات استفاده می‌شود که فعل پیامبر اکرم ﷺ محدود به گروه خاصی از اطرافیان و همسفران پیامبر اکرم ﷺ از بنی‌هاشم بوده و شامل همه مردم نبوده است؛ هرچند در سال‌های بعد باقی مردم نیز با دریافت حکم از فعل پیامبر اکرم ﷺ چنین روشی را انجام داده‌اند، ولی در زمان حج پیامبر اکرم ﷺ انجام این کار محدود به گروه خاصی بوده است؛ به همین جهت، برای این نوع افعال، عنوان «مسئولیت نسبت به کاروان خود» می‌تواند به کار برد.

۲. حکم به سواره رفتن خواهر عقبه که نذر حج پیاده کرده بود

در روایت آمده است، زنی نذر کرده بود که با پای پیاده (ماشیا) به سمت حج رفته و حج را انجام دهد، پیامبر اکرم ﷺ ایشان را دیدند که ما بین شترها حرکت می‌کند، به اطرافیان فرمودند: این زن چه کسی است، اطرافیان آن زن را معرفی کردند که خواهر عقبه است، پیامبر اکرم ﷺ عقبه را صدا زدند و فرمودند: به خواهرت بگو که سوار شتر شود، خداوند بی نیاز از پیاده آمدن اوست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۸۶/۱۱) یکی از توجیهاتی که برای این روایت آمده این است که پیامبر اکرم ﷺ وضعیت آن زن را دید و حکم به سواره آمدن آن زن کرد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۲۱/۶).

۳. ارسال عبدالرحمن برای احرام عایشه از تنعیم

افراد داخل مکه برای دوباره محرم شدن عمره مفرده باید به میقات روند و از آنجا احرام ببندند که نزدیک‌ترین میقات است. عایشه بعد از مراسم حج قصد داشت دوباره برای عمره احرام ببندد. برای همین نیازمند به رفتن به میقات بود. پیامبر اکرم ﷺ شخصی را برای احرام او فرستاد؛ یعنی شخصی را موظف کردند که او را همراه خود ببرد و بعد از احرام دوباره بازگرداند (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱۳/۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۷۳/۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۹/۱۸). همراه کردن عبدالرحمن برادر عایشه با او برای احرام بستن و بازگرداندنش از توجهات پیامبر اکرم ﷺ به همراهان خود است.

قسم پنجم: فعل شخصی

پیامبر اکرم ﷺ و ائمه ﷺ منشأ و منبع وحی هستند و با توجه به عصمت ایشان می‌توان از حالات مختلف رفتار و گفتار ایشان احکام متناسبی را برداشت کرد، ولی آیا ائمه ﷺ همیشه در مقام آموزش و بیان احکام بوده‌اند؟ روشن است که ائمه ﷺ در همه حال در مقام بیان حکم نبوده‌اند، بلکه در موارد متعددی فقط به‌عنوان یک مکلف آنچه وظیفه خود بوده را انجام می‌داده‌اند؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر نبوت که یک حکم اختصاصی به ایشان است، همانند باقی مردم مکلف نیز هستند و بسیاری از افعال ایشان به‌عنوان مکلف صادر شده است. برای این نوع از افعال،

عنوان «فعل شخصی» به کار می‌بریم. البته با وجود در مقام تعلیم نبودن پیامبر اکرم ﷺ می‌توان احکامی را از افعال شخصی ایشان برداشت کرد؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ عالم واقعی به احکام و در رفتار خود معصوم می‌باشند.^۱

۱. بستن همیان

در روایات قولی از پیامبر ﷺ نقل شده است که بستن همیان برای حاجی جایز است (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۴۴). در روایات فعلی نیز آمده است که امام صادق ﷺ از پدر خود نقل می‌کنند که ایشان همیان می‌بسته‌اند و این کار را برای محافظت از مال خود انجام می‌داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۴۳) تا به این طریق از پول خود مراقبت نمایند؛ یعنی هدف از بستن همیان حفظ پول بوده که مربوط به خود امام ﷺ است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۲/۲۱۹).

۲. محصور شدن امام حسین ﷺ

اگر مانع انجام و اتمام وظایف حج از خود حاجی باشد و در اصطلاح مانع داخلی باشد مثلاً حاجی مریض شود، در این گونه موارد به حاجی محصور گفته می‌شود.

امام حسین ﷺ برای عمره محرم شده بودند که در راه مریض شده و امکان ادامه راه از ایشان سلب شد. خبر به امام علی ﷺ رسید. امام ﷺ از مدینه خارج شدند و امام حسین ﷺ را در موضعی به نام سقایا در فاصله بین مکه و مدینه یافتند و از او مریضیش را سؤال کردند. امام حسین ﷺ سردرد را علت مریضی و توقف از حرکت بیان کردند. امام علی ﷺ شتری را قربانی کرده و موی سر امام حسین ﷺ را نیز حلق کردند و او را به مدینه بازگرداندند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۳/۱۸۲).

این حادثه که احتمال تعدد و تکرار آن داده شده (آملی، ۱۳۸۰، ۱۲/۴۷۵) یکی از مستندات بحث‌های فقهی درباره محصور است. در جهات مختلفی از این حادثه

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۵۰

۱. لازم به ذکر است که برداشت حکم از هر قسم از افعال شرایط خود را دارد ولی امکان برداشت حکم وجود دارد که این مقاله به دلیل محدودیت در مقام بیان شرایط نیست.

بحث شده است؛ مثل این که چگونه می‌توان محصور را محل کرد و آیا این ذبح و حلق لازم است؟ آیا باید قضای حج را انجام دهد؟ (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۳/۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۴۷۶/۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۴۱۳/۷؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۳۰۱/۸؛ خوئی، ۱۴۱۰، ۴۴۹/۵). البته بعضی از فقها قربانی را بر استحباب و برای ردّ مریضی حمل کرده‌اند و حتی احتمال محرم نبودن امام حسین علیه السلام را مطرح کرده‌اند که طبق این توضیحات شخصی بودن آن مشخص می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۴۷/۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۴۷/۲۰).

۳. رکوب در حال طواف

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال سواره، طواف را انجام دادند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۴۲/۱۳). این فعل ایشان دلیل شده تا فقها با مستند قرار دادن آن به جواز رکوب در حال طواف حکم کنند (بهرانی، ۱۴۰۵، ۱۲۹/۱۶).

این فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط یک فعل شخصی بوده است نه بیان حکم اولی؛ لذا نمی‌توان با مستند قرار دادن آن حکم به وجوب یا استحباب کرد، بلکه می‌توان از این باب که همه افعال مباح از باب تأسی (که عنوان ثانوی است) مستحب هستند، حکم به استحباب داد ولی حکم اولی رکوب استحباب نیست. البته امکان دارد که رکوب به‌عنوان مسئول حج و برای نظارت بر همگان بوده باشد یا برای این که در معرض دید همه باشند. در این دو صورت به عنوان مسئول حج انجام گرفته است و حکم، تابع مصلحت است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۳۵۸/۱۰). در کتاب عوالی نیز مطلبی نقل شده است که طواف به‌صورت سواره برای این بود که مردم هیئت و عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله را مشاهده کنند (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵، ۳۴/۴).

۴. احرام امام از غیر میقات اول به دلیل مریضی

اهل مدینه از ذی‌الحلیفه احرام می‌بندند و میقات ایشان از شجره یا ذی‌الحلیفه

۱. قابل توجه است که حکم به کراهت (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۳۲۶/۲) و حرمت رکوب (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۱۷۶؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ۲۳۳/۱) از طرف فقها مطرح شده است که بیانی بودن فعل را منتفی می‌کند و با انتفای آن دو احتمال باقی می‌ماند یا باید مصلحتی در نظر گرفت و به‌عنوان مسئول مورد نظر باشد و یا باید دلیل شخصی در نظر گرفت که مطابق آن مشهور قائل به جواز رکوب هستند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۲۹۹/۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۶، ۴۶۵/۵).

است. آیا می‌توان از جحفه محرم شد که در مقایسه با ذی‌الحلیفه از مدینه دورتر و به مکه نزدیک‌تر است؟ این مسئله بین فقها اختلافی است. عده‌ای آن را در حالت عادی، جایز (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۸۳/۶) و عده دیگری مختص به حالت اضطرار می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶۴/۱۰). در روایت است که امام صادق علیه السلام از جحفه محرم شدند و اهل مکه به ایشان ایراد گرفتند؛ به همین علت، ابوبصیر از ایشان سؤال می‌کند که چرا از جحفه محرم شده‌اید؟ امام علیه السلام در جواب می‌فرماید: جحفه نیز یکی از میقات‌هاست و من به علت مریضی از آن میقات محرم شدم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۷/۱۱).

نحوه تأثیر شناخت نوع فعل بر برداشت حکم

تأثیر شناخت نوع فعل در برداشت حکم به‌میزانی است که اصل برداشت حکم و نوع حکم برداشتی منوط به شناخت نوع فعل است؛ یعنی تقریباً تمامی انواع افعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به غیر از یک نوع از فعل اختصاصی - امکان برداشت حکم را دارند، ولی نوع حکم برداشتی در هر نوع فعلی، متفاوت با باقی انواع است؛ به همین دلیل، برداشت حکم متوقف بر شناخت نوع فعل است و شناخت صحیح نوع فعل ما را در درک حکم صحیح کمک می‌کند.

تأثیر شناخت نوع فعل بر حکم را می‌توان به دو صورت مطرح کرد؛ زیرا شناخت نوع حکم یا شرایط استدلال به حکم را فراهم می‌کند که در این صورت، شناخت، مؤثر بر دریافت حکم از فعل است یا استدلال به فعل را رد می‌کند که در صورت دوم، مؤثر بر رد دریافت حکم از فعل است، برای روشن‌تر شدن به مواردی از استدلال و رد استدلال به فعل اشاره می‌شود:

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۵۲

۱. احرام بستن پس از نماز ظهر

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز و بعد از ظهر و بعد از نماز ظهر احرام بسته است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۸/۱۲)؛ به همین علت، بعضی از فقها حکم داده‌اند که احرام بعد از نماز ظهر مستحب است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۵۷/۶). در روایات نیز مؤید برای آن وجود دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۸/۱۲)، ولی آنچه در روایات

دیگر مطرح شده، این است که از امام علیه السلام سؤال شد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احرام بستند یا در شب؟ امام علیه السلام فرمودند: در روز. در چه ساعتی؟ بعد از نماز ظهر. از امام علیه السلام سؤال شد: در چه زمانی احرام ببندیم؟ فرمودند: هر زمان خواستید. چون در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آب کم بود و باید به کوه می رفتند و زودتر از ظهر امکان دسترسی به آب نبود. این آب هایی که اکنون هست، تازه به وجود آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۹/۱۲). طبق این روایت، بعضی از بزرگان حکم به عدم استحباب و عدم لزوم بعد از نماز ظهر کرده اند، ولی از باب تأسی آن را مستحب دانسته اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۹/۱۵). ملاحظه می شود که شناخت نوع فعل موجب تغییر حکم است و امام علیه السلام با توضیح علت فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را از فعل مبین حکم به فعل شخصی تغییر می دهد و با این توضیح، حکم را نیز تغییر می دهند.

۲. تعیین نوع حج در زمان احرام

از موارد دیگر می توان به این بحث اشاره کرد که آیا تعیین نوع حج در زمان احرام لازم است؟ آیا می توان بدون تعیین نوع حکم نیز محرم شد؟ بعضی معتقدند تعیین نوع احرام لازم نیست؛ زیرا امام علی علیه السلام زمانی که از یمن بازگشتند بدون تعیین و با این جمله که همانند احرام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محرم می شوم، محرم شدند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز علاوه بر تأیید، از قربانی خود برای ایشان اختصاص دادند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۵۶/۵). پس مطابق فعل امام علیه السلام و تأیید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین لازم نیست (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۱۸/۱۰). شیخ طوسی و بعضی دیگر از فقها نیز آن را حسن دانسته اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۳۱۷/۱، عاملی، ۱۴۱۱، ۲۶۲/۷).

بعضی دیگر معتقدند این روایت نمی تواند حکم را اثبات کند؛ زیرا فعل منقول در این روایت مختص به امام علی علیه السلام بوده است؛ زیرا در روایات آمده که امام علی علیه السلام به این مسئله افتخار می کرد و آن را مختص به خود می دانست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴۲/۱۴). در حالی که اگر بقیه مردم هم می توانستند مانند ایشان انجام دهند، دلیلی برای افتخار باقی نمی ماند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۳۳/۱۵، خویی، ۱۴۱۶، ۵۰۳/۲) و این نوع احرام باطل است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۲۳۳/۲).

رهبانگی بر انواع
سنت فعل و نحوه تأثیر
شناخت نوع سنت بر
استنباط احکام حج

عده‌ای از فقها با برداشت فعل شخصی، حکم به جواز و بعضی دیگر با برداشت فعل اختصاصی حکم به عدم جواز داده‌اند که این مسئله اهمیت تعیین نوع فعل در برداشت حکم را مشخص می‌کند.

۳. انجام تلبیه در بیداء

اگر از مدینه عازم حج باشیم در مسجد شجره نیت کرده، لباس احرام می‌پوشیم. حال، آیا لازم است در همان موضع نیز تلبیه را انجام دهیم یا می‌توان آن را به تأخیر انداخت و به موضعی به نام بیداء رسید؟ در این باره میان علما اختلاف است. بعضی لزوم در مسجد شجره و مقارن با نیت را مطرح کرده‌اند (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۲/۲۴۶) و بعضی بین ماشی بودن و راکب بودن تفصیل داده، تلبیه در بیداء را برای راکب و در مسجد را برای ماشی بهتر دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵/۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۰/۲۴۴؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳/۱۶۹) و بعضی معتقد به جواز تأخیر شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ۷/۲۶۶).

مستند این بحث، فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در انجام دادن تلبیه در بیداء است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵/۸۴)؛ به همین علت، برخی لزوم تأخیر (محقق اردبیلی، ۱۴۰۵، ۱۵/۴۶) و برخی تفصیل بین راکب و ماشی را (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵/۸۵) مطرح کرده‌اند. بعضی دیگر این تأخیر را از باب وظیفه مسئول حج بودن دانسته و مطابق روایت (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۳۴) مطرح کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلبیه را به جهت آموزش و هدایت همه حجاج به تأخیر انداخت؛ یعنی علت تأخیر آن به یک مکان دیگر که حجاج بیشتری در آن حاضر باشند، از باب هدایت حاجیان است و تأخیر آن حکم شرعی اولی نیست (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۵/۴۵). اختلاف اصلی در این مورد این است که آیا تأخیر تلبیه به عنوان یک حکم شرعی اولی (بیانی) بوده و یا به عنوان راهی برای آموزش و هدایت بیشتر مردم (مسئولانه) بوده است. طبق نظر دوم، تأخیر تلبیه از نوع دوم است.

۴. سرعت انجام طواف

از موارد دیگر تأثیر شناخت نوع فعل بر دریافت حکم این بحث است که طواف می‌تواند سریع، آهسته یا با سرعت متوسط انجام شود. در روایت آمده که

پیامبر اکرم ﷺ در طواف خود در سه شوط اول به صورت رمل (سریع) طواف را انجام دادند و در چهار شوط آخر مشی (حرکت معمولی) انجام دادند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ۱۴۰/۱).

فقهایمانند شیخ طوسی (۱۳۸۷، ۳۵۶/۱) و ابن حمزه (۱۴۰۸، ۱۷۲) به استحباب رمل در سه شوط اول و مشی در چهار شوط دیگر حکم داده‌اند، ولی گروه دیگری به سرعت متوسط در کل طواف حکم داده‌اند (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۳۵۱/۱۰، عمیدی، ۱۴۱۶، ۲۸۳/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۳۹۹/۱). بعضی نیز حکم و روایت را از عامه می‌دانند که به نظر می‌رسد (مطابق تصریح فقهای شیعه) عامه رمل را در سه شوط اول مستحب می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۳۵۲/۱۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۷).

در بعضی روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۵۱/۱۳) علت این فعل پیامبر اکرم ﷺ طعنه مشرکان به مسلمانان مبنی بر ضعف ایشان بیان شده و هدف از رمل اظهار قدرت و رفع طعنه مشرکان بوده است؛ در نتیجه، مختص به زمان و شرایط خاصی بوده است؛ به عبارت دیگر، پیامبر اکرم ﷺ در مقام بیان حکم اولی نبوده، بلکه به‌عنوان مسئول مسلمانان وقتی با طعنه مشرکان مواجه می‌شوند و مسلمانان را از این جهت در معرض تضعیف می‌بینند، حکم به رمل و مشی می‌دهند تا با این روش از ایشان دفاع کرده و طعنه را از مسلمانان دور کنند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۲۵/۱۶).

در این مورد حکم پیامبر اکرم ﷺ اگر در مقام بیان حکم اولی باشد، پس رمل مستحب است، ولی اگر در مقام بیان حکم اولی نباشد و به‌عنوان مسئول و در موقعیت خاصی مطرح شده باشد به‌عنوان مسئول مسلمانان است و در حالت عادی استحبابی ندارد.

۵. وجوب قربانی برای مصدود

در روایت آمده که امام علیؑ برای وجوب قربانی نسبت به مصدود به فعل پیامبر اکرم ﷺ استدلال کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۱/۱۳). محقق خوئی نیز با توجه به استدلال امام علیؑ فعل پیامبر اکرم ﷺ را مبین حکم می‌داند (خوئی، ۱۴۱۰، ۴۲۶/۵). علاوه بر موارد یادشده، موارد متعدد دیگری را نیز می‌توان نام برد که شناخت

نوع فعل دلیل بر استدلال و یا رد استدلال به فعل شده است که در یک جمع بندی می توان تأثیر شناخت نوع فعل در استنباط حکم را به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱. استدلال معصومان علیهم السلام به سیره با بیان نوع آن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت «خذوا عنی مناسککم» را برای خود در حج به کار برده اند و با این بیان، برخی افعال خود را دارای این خصوصیت کرده اند که برای بیان احکام است. ائمه اطهار علیهم السلام نیز در موارد متعددی به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله استدلال کرده اند؛ مانند استدلال برای حرمت سایه برای محرم که نقل شده چون پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه انجام داده، ما نیز انجام می دهیم (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۵۰).

۲. رد استدلال به سیره با بیان نوع آن توسط معصومان علیهم السلام

معصومان علیهم السلام در مواردی با توضیح درباره فعل، نوع آن را به غیر بیانی تغییر داده اند. در روایت آمده که با وجود احرام پیامبر صلی الله علیه و آله در ظهر، در این زمان احرام مستحب نیست؛ زیرا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا آب بیاورند و غسل کنند، به این زمان می رسیده اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۳۲ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲/۳۳۹).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۵۶

۳. استدلال فقها به سیره با بیان نوع آن

مواردی که فقها با استدلال و توضیح در مورد نوع فعل، نوع صحیح را برای آن تعیین کرده اند؛ مثلاً بیانی بودن آنرا اثبات کرده اند و با این روش از آن حکم برداشت کرده اند؛ مانند توضیح درباره این که خوردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قربانی حج با امکان ترک اختیاری و تکرار آن دلیل بر بیانی بودن است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۱/۲۶۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۱/۴۷۵).

۴. رد استدلال به سیره با بیان نوع آن از سوی فقها

فقها با توضیح درباره نوع فعل، مانع استدلال اشتباه و برداشت حکم اشتباه از فعل شده اند؛ مانند توضیح فعل امام علی علیه السلام نسبت به مرضی فرزندش که اولاً محلی

که در روایت آمده، اسم مشترک است و معنای مشهور آن مورد نظر نیست و ثانیاً قربانی از باب حج نبوده، بلکه برای رفع بلا بوده است. فقها با این توضیح، استدلال به فعل امام علیه السلام را از احتمال بیانی بودن به شخصی تغییر داده‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۶، ۶/۱۹۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۱۳/۱۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰/۱۴۷).

نتیجه‌گیری

سنت که همان قول، فعل و تقریر معصومان علیهم السلام است، یکی از ادله اصلی احکام می‌باشد که استنباط حکم از آن تابع شناخت مسائل مختلفی از جمله شناخت نوع فعل است؛ زیرا فعل، متناسب با نوع مسئولیت انجام می‌شود؛ به همین دلیل، از فعل در حالات مختلف می‌توان احکام مختلفی را به دست آورد. با بررسی باب حج به‌عنوان بابی که فعل در آن نقش ویژه‌ای دارد، می‌توان پنج نوع مختلف را برای فعل معصوم علیه السلام در نظر گرفت. افعال مبین حکم، اختصاصی، مسئول حج، مسئول اطرافیان و شخصی اقسام فعل هستند که تأثیر هر یک از این اقسام در استنباط احکام از آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. شناخت مسئولیت و رابطه بین آن و فعل، نقش ویژه و مهمی در فهم فعل و استنباط حکم از آن و حتی در استنباط نوع حکم دارد و توجه به این مسئله در استدلال‌های فقهی لازم است. با در نظر گرفتن مستدل که معصوم علیه السلام است یا فقیه و نتیجه توضیح که موجب استدلال به فعل یا رد استدلال به فعل می‌شود، می‌توان تأثیر شناخت نوع فعل را به چهار صورت دسته‌بندی کرد که برای هر کدام موارد متعددی در کتب فقهی یافت شد.

منابع

• قرآن کریم.

۱. آبی، فاضل، (۱۴۱۷)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰)، مصباح الهمدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: مؤلف.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵)، عوالی اللئالی الغزیریة فی الأحادیث

الدينية، قم: دار سيد الشهداء عليه السلام.

٤. ابن ادریس، محمد بن منصور، (١٤١٠)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٥. ابن براج طرابلسی، عبد العزیز و طوسی، محمد بن حسن، (١٤١١)، جواهر الفقه - العقائد الجعفریة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٦. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، (١٤١٧)، غنیه النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.

٧. ابن قدامة المقدسی، (١٣٨٨)، المغنی، قاهره: مكتبة القاهرة.

٨. ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی، (بی تا)، سنن، (بی جا)، دار إحياء الكتب العربية.

٩. أحمد بن محمد بن حنبل، أبو عبدالله، (١٤٢١)، مسند أحمد، بیروت: مؤسسة الرسالة.

١٠. اردبیلی، احمد بن محمد، (١٤٠٣)، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

١١. الأشقر، محمد بن سلیمان، (١٤٢٤)، افعال الرسول صلى الله عليه وسلم و دلالتها على الاحكام الشرعيه، چاپ ششم، بیروت: الرساله.

١٢. اصفهانی، فاضل هندی، (١٤١٦)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

١٣. بحرانی، آل عصفور، (١٤٠٥)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

١٤. بدری، تحسین، (١٤٢٨)، معجم مفردات أصول الفقه المقارن، تهران: المشرق.

١٥. بیهقي، أبوبکر، (١٤١٢)، معرفة السنن والآثار، القاهرة: دارالوفاء.

١٦. —، (١٤٢٤)، السنن الكبرى، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.

١٧. حر عاملی، محمد بن حسن، (١٤٠٩)، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: آل البيت عليهم السلام.

١٨. حلّی، حسن بن یوسف، (١٤١٢)، منتهی المطلب في تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

١٩. —، (١٩٨٢)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دار الكتاب اللبناني.

٢٠. —، (١٣٨٨)، تذكرة الفقهاء (ط - القديمة)، قم: آل البيت عليهم السلام.

٢١. —، (١٤١٣)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ١٦

پاییز ١٣٩٨

٥٨

٢٢. حلى، فخرالمحققين، محمد بن حسن، (١٣٨٧)، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، قم: اسماعيليان.
٢٣. خوانسارى، سيداحمد بن يوسف، (١٤٠٥)، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم: اسماعيليان.
٢٤. خويى، سيدابوالقاسم موسوى، (١٤١٠)، المعتمد في شرح المناسك، قم: دارالعلم.
٢٥. —، (١٤١٦)، معتمد العروة الوثقى، چاپ دوم، قم: دارالعلم.
٢٦. دارقطنى، أبوالحسن، (١٤٢٤)، سنن الدارقطنى، بيروت: مؤسسة الرسالة الأولى.
٢٧. رافعى، عبدالكريم، (بى تا)، فتح العزيز بشرح الوجيز، بيروت: دارالفكر.
٢٨. سبزوارى، محقق، محمد باقر، (١٢٤٧)، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: آل البيت.
٢٩. شافعى، أبو عبد الله، (١٤٠٠)، المسند، بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٠. شعرانى، ابوالحسن، (١٣٧٣)، المدخل إلى عذب المنهل في أصول الفقه، قم: الهادى.
٣١. صيمرى، مفلح بن حسن، (١٤٠٨)، تلخيص الخلاف و خلاصة الاختلاف - منتخب الخلاف، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٣٢. —، (١٤٢٠)، غاية المرام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار الهادى.
٣٣. طوسى، محمد بن الحسن، (١٣٩٠)، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٤. —، (١٤٠٧)، تهذيب الأحكام، چاپ چهارم، محقق خراسان، تهران: دارالكتب الإسلامية.
٣٥. —، (١٣٨٧)، الجمل و العقود في العبادات، مشهد: دانشگاه فردوسى مشهد.
٣٦. —، (١٣٨٧)، المبسوط في فقه الإمامية، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية.
٣٧. —، (١٤٠٠)، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، چاپ دوم، بيروت: دار الكتاب العربي.
٣٨. —، (١٤٠٧)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٩. طوسى، محمد بن على بن حمزه، (١٤٠٨)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.
٤٠. عاملى، (شهيد اول)، محمد بن مكى، (١٤١٧)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٤١. —، محمد بن مكى، (بى تا)، رسائل، قم: احياء التراث.
٤٢. —، محمد بن مكى، (١٤٠٠)، القواعد و الفوائد، قم: مفيد.
٤٣. عاملى، (شهيد ثانى)، زين الدين بن على، (١٤١٣)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: المعارف الإسلامية.

رهبياقتى بر انواع
سنت فعل و نحوه تأثير
شناخت نوع سنت بر
استنباط احكام حج

۴۴. عاملی، (کرکی، محقق ثانی)، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم: آل البيت علیهم السلام.
۴۵. عاملی، محمد بن علی موسوی، (۱۴۱۱)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: آل البيت علیهم السلام.
۴۶. علوی عاملی، احمد بن زین العابدین، (۱۳۹۹)، مناهج الأخیار فی شرح الإستبصار، قم: اسماعیلیان.
۴۷. عمیدی، سید عمید الدین، (۱۴۱۶)، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، قم: انتشارات اسلامی.
۴۸. قمی، سید حسن طباطبایی، (۱۴۱۵)، کتاب الحج، قم: باقری.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، کافی، چاپ چهارم، تهران: اسلامیة.
۵۰. مازندرانی، محمد هادی، (۱۴۲۹)، شرح فروع الکافی، قم: دارالحديث.
۵۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۲. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۱۴)، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
۵۳. محقق حلّی، نجم الدین، (۱۴۰۷)، المعتبر فی شرح المختصر، سیدالشهداء علیهم السلام.
۵۴. ———، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
۵۵. مسلم بن الحجاج النیسابوری، (بی تا)، المسند، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۶. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۵)، أصول الفقه، چاپ پنجم، قم: اسماعیلیان.
۵۷. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱)، الفقه علی المذاهب الخمسة، چاپ دهم، بیروت: دارالجواد.
۵۸. مهریزی، مهدی، (درآمدی بر جایگاه و روایات پزشکی)، علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۵، دوره ۱۱، شماره ۳، صص: ۵۸ تا ۳۷.
۵۹. ———، (درآمدی بر قلمرو فقه)، نقد و نظر، زمستان ۱۳۷۵، دوره ۲، شماره ۶، صص: ۲۲۹ تا ۲۰۸.
۶۰. ———، (قلمرو حجیت حدیث از نگاه عالمان شیعه)، علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۱۴، شماره ۳، صص: ۲۰ تا ۴.
۶۱. ———، (قواعد فهم سیره سیاسی امیر مؤمنان علیه السلام)، علوم حدیث، زمستان ۱۳۷۹، سال پنجم، شماره چهارم، صص: ۲۲ تا ۲.
۶۲. محقق داماد یزدی، سید محمد، (۱۴۰۱)، کتاب الحج، قم: چاپخانه مهر.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۶.

٦٣. منسوب به امام علي بن موسى عليه السلام، (١٤٠٦)، الفقه - فقه الرضا، مشهد: آل البيت عليهم السلام.
٦٤. ميرزاي قمى، ابوالقاسم، (١٣٧٣)، قوانين الأصول، چاپ دوم، تهران: مكتبة العلمية الاسلاميه.
٦٥. نجفى، محمد حسن، (١٤٠٤)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٦٦. نراقى، احمد بن محمد مهدى، (١٤١٥)، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: آل البيت عليهم السلام.
٦٧. نسائي، أبو عبد الرحمن، (١٤٠٦)، السنن، چاپ دوم، حلب: المطبوعات الإسلامية.
٦٨. نووي، أبو زكريا، (بى تا)، المجموع شرح المذهب، بيروت: دار الفكر.

